

بی‌خویشی و خویش‌داری

در نسبت تجربه عرفانی و اخلاق

مجموعه عرفان | ۳۴ |



نشر سینا

در بیان تشبیهات و تشبیهات

در تشبیهات و تشبیهات

۱۳۶۱

شعبانی، محسن، ۱۳۶۴ -

بی‌خویشی و خویشنداری: در نسبت تجربه عرفانی و اخلاقی

نویسنده: قاسم کاکایی

تهران: حکمت سینا، ۱۳۹۶

۱۶۴ ص

شابک: 978-600-5492-99-6

فیبای مختصر

فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۸۰۱۸۳۸



نشر حکمت انسان

تهران، خیابان انقلاب، ابتدای ایورسن، شماره ۹۴، کدپستی ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۴

تلفن: ۶۶۴۱۵۸۷۹/۶۶۴۶۱۲۹۲، فکس: ۶۶۴۰۶۵۰۵

سامانه پیام کوتاه: ۰۶۰۱۰۹۸۷

www.hekmat-ins.com

fo@hekmat-ins.com

بی‌خویشی و خویش‌داری: نسبت تجربه عرفی و اخلاقی

محسن شعبانی

چاپ اول: ۱۳۹۶ ش/۱۴۳۸ ه.ق.

شمارگان: ۴۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۹۲-۹۹-۶

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی هنری حکمت

چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشرکیمیای حضور

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی،

الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

فهرست

۹	قدردانی و س...
۱۱	درآمد
۱۵	پیش‌گفتار
۱۵	پیشینه
۱۶	ایضاح مفاهیم
۲۱	حدود و ثغور
۲۳	۱. نسبت تجربه عرفانی و اخلاق
۲۳	مقدمه
۲۳	۱. نقد عرفان بر پایه اخلاق؛ عرفان به مثابه زاناکنده اخلاق
۲۴	۱.۱. نقد اخلاقی عرفان از منظری اجتماعی
۲۶	۱.۲. نقد اخلاقی عرفان مبتنی بر تجربه عرفانی
۲۷	۱.۲.۱. دیدگاه پل تیلیش
۳۲	۱.۲.۲. دیدگاه مارتین بوبر
۳۵	۱.۲.۳. دیدگاه رینولد نیبور
۳۸	۱.۲.۴. دیدگاه آرتور سی. دانتو
۴۳	۲. دفاع از عرفان بر مبنای اخلاق؛ عرفان به مثابه پشتیبان اخلاق
۴۴	۱.۲. دفاع اخلاقی از عرفان مبتنی بر محتوای تجارب عرفانی
۴۴	۱.۲.۱. دیدگاه والتر استیس
۴۹	۱.۲.۲. چند دیدگاه دیگر
۵۵	۳. راه میانه؛ عدم برقراری ارتباطی الزامی میان عرفان و اخلاق
۵۵	۱.۳. دیدگاه ویلیام وینرایت

۵۹	۲.۳. دیدگاه وین پرادفوت
۶۶	۳.۳. دیدگاه ریچارد جونز
۸۰	۴. نتیجه‌گیری
۸۳	۲. نسبت تجربه عرفانی و اخلاق در عرفان خراسان ...
۸۳	مقدمه
۸۶	۱. بی‌خویشی عرفانی
۹۳	۱.۱. بی‌خویشی معرفتی
۹۶	۲.۱. بی‌خویشی وجودی
۹۶	۱.۲.۱. فنا؛ فرو شدن به نیستی خود
۹۷	۲.۱.۱. نفی هویت یا اوصاف بشری
۹۹	۱.۲.۱. نفی خودگزینی و خودخواهی
۱۰۰	۱.۳.۱. بی‌اراده و خواست
۱۰۱	فقر از خویش
۱۰۳	۱.۲.۲. بقاء؛ برآمدن، هست خداوند
۱۰۶	۱.۲.۲.۱. یگانگی
۱۱۲	۲.۲.۲.۱. بی‌چگونگی
۱۱۴	۲. شفقت
۱۲۵	احساس رنج و درد دیگران
۱۲۶	به‌دوش کشیدن عذاب، گناه، و یا رنج دیگران و واسطه‌گری شفقت، لطف، و عشق الهی
۱۲۷	نیکی خواستن برای دیگران
۱۳۱	بی‌خویشی و شفقت
۱۳۴	شفقت و اعراض از خلق
۱۳۶	نتیجه‌گیری
۱۳۹	ضمیمه: فراسوی خیر و شر
۱۴۵	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۱۵۰	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۱۵۵	کتاب‌شناسی
۱۵۹	نمایه

زهی سودای بی خویشی، که هیچ از خویش نندیشی
(مولانا)

درآمد

پژوهش حاضر، که در اصل نسخه منقح پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده است، بررسی فلسفی، تئوریک و تجربه‌ای عرفانی بر اخلاق است و به این مسئله می‌پردازد که آیا عرفان، به‌طور کلی و تجربه‌ای عرفانی، به‌نحو خاص، پشتیبان رفتار اخلاقی است، زائل‌کننده آن است، یا اینکه لزماً آمیخته‌ای بر آن ندارد. در این باره متفکران به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ عده‌ای معتقدند عرفان/تجربه عرفانی انگیزه یا پشتیبان کنش اخلاقی است. دسته‌ای دیگر بر آن است که عرفان/تجربه عرفانی اخلاق را زائل می‌کند، و یا موجب بی‌تفاوتی نسبت به مسائل اخلاقی می‌شود. دسته سوم نیز قائل‌اند که هیچ نوع رابطه ضروری‌ای بین عرفان/تجربه عرفانی و اخلاق برقرار نیست. اگرچه از طرح جدی این پرسش زمان زیادی نگذشته است، اما ادبیات فلسفی گسترده‌ای در غرب درباره این موضوع شکل گرفته است. پرداختن به این موضوع در قالب یک کتاب از دو جهت مهم و بلکه ضروری می‌نمود. نخست اینکه مهم بود پای این بحث به فضای علمی کشور باز شود و این مسئله همچو یک مسئله مهم در حوزه فلسفه اخلاق و فلسفه عرفان نگاشته شود. نتیجه این کار این خواهد بود که متفکران داخلی علاوه بر آشنایی با چنین مسائلی به تحلیل و نقد آن بپردازند. اهمیت دیگر این موضوع به‌خاطر خلائیست که در آثار متفکران غربی وجود دارد. در آثاری که تاکنون در این باب قلم زده شده است تقریباً اکثر سنت‌های عرفانی به‌صورت خاص و مجزا بررسی شده‌اند. برخی متفکران به‌طور خاص در باب یک یا چند سنت و برخی به مجموعه‌ای از سنت‌ها پرداخته‌اند. در این

میان جز در چند مورد و تنها به صورت اشاره‌وار به عرفان اسلامی پرداخته نشده است؛ بنابراین، لازم می‌نمود عرفان اسلامی نیز از این نظر مورد مطالعه قرار گیرد. ما در این بررسی، با توجه به علاقه شخصی خود و نیز بر اساس زمینه مناسب عرفان خراسان بر آن شدیم تا این مسئله را در این سنت عرفانی بررسی کنیم.

بر این اساس در این اثر به دو پرسش خواهیم پرداخت:

۱. عرفان/ تجربه عرفانی چه تأثیری بر اخلاق دارد؟

۲. عرفان خراسان چه تأثیری در اخلاقی زیستن عارف دارد؟

توجه به این دو پرسش، در این پژوهش دو کار عمده انجام شده است؛ نخست بررسی رابطه عرفان/ تجربه عرفانی و اخلاق و تأثیر عرفان/ تجربه عرفانی بر اخلاق در فلسفه غرب و دیگری بررسی تأثیر عرفان بر اخلاق در عرفان خراسان. برای این منظور به وکاوی آثار عرفانی و سلوک عملی سه تن از بزرگ‌ترین چهره‌های این سنت عملی، به‌ویژه بایزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی و ابوسعید ابوالخیر پرداخته شده است.

کتاب حاضر مشتمل بر یک بخش نظری، دو فصل و یک ضمیمه است. در پیش‌گفتار نگاه مختصری به پیشینه موضوع مورد بررسی خواهیم داشت و سپس از واژگان اصلی این پژوهش تعیین مراد خواهیم کرد. سپس با لحاظ کردن چند قید دامنه موضوع را محدود و حدود و ثغور تحقیق را بیان می‌کنیم.

در فصل اول به مسئله رابطه عرفان و اخلاق در فلسفه غرب می‌پردازیم و می‌کوشیم که به این پرسش پردازیم که آیا عرفان، به‌طور کلی، و تجربه عرفانی، به‌نحو خاص، پشتیبان رفتار اخلاقی است یا خیر؟ و آیا انسان‌ها را اخلاقی‌تر می‌کند یا غیر اخلاقی‌تر؟ در بررسی این پرسش متفکران سه دسته کلی تقسیم‌بندی می‌کنیم. این تقسیم‌بندی را بر اساس پاسخ/ پاسخی‌هایی که متفکران به پرسش مورد بررسی داده‌اند انجام داده‌ایم؛ از این‌رو ممکن است دیگران تقسیم‌بندی دیگری را ارائه کنند. در هر یک از این سه دسته، دیدگاه‌های متفکران تأثیرگذارتر و مهم‌تر را بررسی می‌کنیم. در مواردی، در کنار تبیین دیدگاه برخی متفکران به نقد آنان نیز می‌پردازیم. بدین شیوه تا پایان فصل مروری بر

مهم‌ترین دیدگاه‌های متفکران غربی درباره نسبت عرفان و اخلاق خواهیم داشت. در انتهای این فصل خلاصه دیدگاه‌های مطرح شده را دسته‌بندی خواهیم کرد.

در فصل دوم نسبت عرفان و اخلاق را در عرفان خراسان و در عرفان بایزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی، و ابوسعید ابوالخیر، به مثابه مهم‌ترین چهره‌های کلاسیک عرفان خراسان، بررسی می‌کنیم. پیش‌فرض ما در انتخاب این سه عارف و شیوه پرداخت‌مان در بررسی عرفان آنان این است که این سه عارف، از منظر مورد بررسی ما، قائل به یک دیدگاه متناظر هستند و تقابل و تفاوتی در عرفان این سه تن، در این مسئله وجود ندارد. در این فصل نخست با اشاره به نقطه ضعف رویکرد مدافعان عرفان، بنی بر عدم ارائه استدلالی در پشتیبانی تجربه عرفانی وحدت‌گرایانه - و نه دیگر بخش‌های عرفان - اخلاق می‌کوشیم استدلال خود را بر چنین تجربه‌ای استوار کنیم. برای این منظور اصطلاح بی‌خویشی عرفانی را طرح می‌کنیم. این اصطلاح را ریچارد جونز در کتاب خود *اسوان، عرفان و اخلاق*، نگاهی تازه به پرسشی قدیمی در معنایی نسبتاً مشابه با آنچه ما مراد کرده‌ام به کار برده است؛ اگرچه افراد دیگری پیش و پس از او نیز این اصطلاح را در کاربردهای موسع‌تر و مضیق‌تری به خدمت گرفته‌اند. اما مراد ما از این اصطلاح تا حد زیادی با آنچه جونز به کار برده تفاوت دارد. به همین دلیل ما در این فصل می‌کوشیم مؤلفه‌ها و ویژگی‌های بی‌خویشی عرفانی را توضیح دهیم. در عین حال برای تبیین بیشتر موضوع دو اصطلاح بی‌خویشی معرفی و بی‌خویشی وجودی را وضع کرده‌ایم و در ذیل آنها به بررسی پاره‌ای مباحث عرفانی پرداخته‌ایم. سپس به بررسی مفهوم شفقت در فلسفه اخلاق می‌پردازیم و به دنبال آن این مفهوم را در عرفان خراسان پی می‌گیریم. پس از بیان مؤلفه‌ها و عناصر شفقت در عرفان بایزید، خرقانی و ابوسعید می‌کوشیم تأثیر بی‌خویشی عرفانی بر شفقت را در عرفان آنان بررسی کنیم. در پایان این فصل با صورت‌بندی استدلالی معرفی خواهیم شد که در عرفان خراسان بی‌خویشی عرفانی پشتیبان اخلاق است.

محسن شعبانی

پاییز ۱۳۹۳

پیش‌گفتار

پیشینه

مسئله نسبت عرفان و اخلاق در فلسفه‌های انگلیسی زبان از جمله مسائل بسیار مهم در حوزه فلسفه عرفان و فلسفه اخلاق و شاید یکی از مهم‌ترین چالش‌های عرفان در دوره معاصر است. در نیمه دوم قرن بیستم کسانی چون آرسی زنر، پل تیلیش، والتر استیس و برخی دیگر در آثار خود به این موضوع باصطلاح به مسئله تأثیر عرفان/ تجربه عرفانی بر اخلاق پرداخته بودند. آرتور سی. انتوریس در سال ۱۹۷۲ کتاب مستقلی تحت عنوان عرفان و اخلاق: تفکر شرقی و فلسفه اخلاق نگاشت که انتقادات و مباحثات بسیاری برانگیخت. این کتاب مشتمل بر شش فصل بود که دانتو در آن می‌کوشید باورهای حقیقی و قواعد اخلاقی در آیین‌های بودا و مسیحیت با آنچه که متعلق به مغرب زمین است مقایسه کند. شاید هدف نخست خواننده پرداختن به چنین مسئله‌ای بیشتر نوعی واکنش به گرایش فزاینده‌ای بود که در غرب به آموزه‌های آیین بودا و هندو شکل گرفته بود. از نظر وی باورهای حقیقی در آن دو سنت با آنچه در تفکر غربی وجود دارد بسیار بیگانه است و در نتیجه نظام اخلاقی آنان برای غربیان دست‌نیافتنی است. پس یاری خواستن از آموزه‌های مشرق زمین برای غربیان امری بیهوده است. وی همچنین در این کتاب مدعی است که عرفان، با بی‌معنی ساختن

۱. اطلاعات کامل کتاب‌شناختی کتاب‌ها و مقالات معرفی‌شده در این بخش را در بخش کتاب‌شناسی بیابید.

مقولاتی که اخلاق را با توسل بدان‌ها طبقه‌بندی می‌کنیم، اخلاق را متزلزل می‌کند، چراکه عرفان مستلزم فرارفتن از همه تمایزات از جمله تمایزات اخلاقی است. از جمله نقدهایی که بر مواضع دانتو در این کتاب نوشته شد، مقاله‌ای است از ویلیام جی وینرایت تحت عنوان اخلاق و عرفان. وینرایت در این مقاله می‌کوشد تا نشان دهد که هیچ پیوند معرفتی یا منطقی مهمی میان هشیاری عرفانی و اخلاق وجود ندارد و نمی‌توان عرفان را به‌طور کلی زائل‌کننده اخلاق دانست؛ همچنان‌که نمی‌توان عرفان را به‌طور کلی پشتیبان اخلاق دانست. مقاله دیگری که به نقد مواضع دانتو در کتابش می‌پردازد عرفان مینوی، عرفان اخلاقی نوشته وین پرادفوت است. وی نقد است که بر است عرفان را به‌مثابه یکی از شیوه‌های درک رابطه میان گرایش‌های حلا و باورهای ناظر به واقع بدانیم تا در تضاد مستقیم با اخلاق. وی همچنین مابودای موجود میان نظام‌های نمادهای دینی و تعبیر تجربه دینی را منعکس کنند. پاسخ‌های متنوع به پرسش رابطه میان امر تجویزی و امر توصیفی می‌داند. دانتو نیز سپس، مقاله‌ای تحت عنوان اخلاق نظری و تجربه عرفانی نگاشت تا به پرسش وین پاسخ و پراسور پرادفوت پاسخ گوید و در عین حال نظرات خود در کتاب عرفان و اخلاق را نیز روشن‌تر سازد. جیمز هورن نیز در کتاب عارف اخلاقی به بررسی دیدگاه‌های مختلف در این زمینه پرداخت و کوشید دآوری منصفانه‌ای در نیمه دوم کتاب خود ارائه کند. کتاب سی فاصله ریچارد جونز کتابی تحت عنوان عرفان و اخلاق، نگاهی تازه به پرسشی قدیمی به رشته تحریر درآورد و در آن سعی کرد علاوه بر تبیین نظری این مسئله به بررسی سنت‌های مختلف عرفانی و دینی از این منظر بپردازد. ویلیام برنارد و جری کیپال نیز در سال ۲۰۰۲ مجموعه‌ای را ویراستند که هر یک از مقالات آن به بررسی این مسئله می‌پردازد. علاوه بر اینها کتاب‌ها و مقالات متعدد دیگری نیز در این زمینه نوشته شده است که به برخی از آنان در این پژوهش ارجاع داده شده است.

ایضاح مفاهیم

۱. عرفان: تعریف عرفان امری چالش‌برانگیز است. تعاریف متعدد و متنوعی که از عرفان ارائه شده است به‌لحاظ روش، رهیافت، رویکرد و به‌لحاظ خاستگاه دینی

و فرهنگی تعریف‌گران عرفان تفاوت‌های چشم‌گیری دارند.^۱ شاید شیوه کسانی که به جای تعریف به توصیف عرفان روی آورده‌اند کارآمدتر باشد؛ یعنی کسانی که می‌کوشند مهم‌ترین و اصلی‌ترین ویژگی‌های عرفان را برشمارند. از آن میان ما به دسته‌بندی موحدیان عطار از توصیف ویلیام جیمز از عرفان تکیه می‌کنیم. به گفته او پدیده عرفان از منظر ویلیام جیمز از چهار مؤلفه اصلی تشکیل می‌شود:

- (۱) تجربه‌ای شناختاری، بیان‌ناپذیر، گذرا و انفعالی
 - (۲) اعتقاد با معرفتی ژرف، یقینی، واضح و تحقیقی در باب خدا، انسان و جهان؛ نه اجمالاً از نوعی وحدت در پس کثرت ظاهری حکایت می‌کند.
 - (۳) برنامه‌ای، ای‌نیل به آن تجربه و این معرفت
 - (۴) فرآیندی از تدریس و تحول که در شخص رخ می‌دهد و لازمه عقلی و طبیعی اعتقاد به برپا شدن یاد شده است (موحدیان، ۱۳۸۸: ۲۲۷).
- این چهار ویژگی، شاید تا حدودی با توصیف عبدالحسین زرین‌کوب منطبق باشد. او عرفان [اسلامی] را یک مایه معرفت می‌داند. (زرین‌کوب، ۱۳۵۳: ۹) این امر مشتمل بر:

- (۱) یک تجربه عرفانی به مثابه تجربه‌ای معرفتی بخش
 - (۲) معرفت عرفانی به مثابه فراورده آن تجربه
 - (۳) مقدمات نیل به آن تجربه عرفانی
 - (۴) نظام‌مند کردن و نظری کردن آن معرفت
 - (۵) نهادی که عهده‌دار طی مقدمات رسیدن به تجربه عرفانی است.
- اگر عنصر نهاد عرفانی - که به نظر می‌رسد از ضروریات عرفان نیست - را یک سو نهیم، در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان عرفان را مشتمل بر سه مؤلفه زیر نامید:
- (۱) تجربه عرفانی
 - (۲) معرفت یا آموزه عرفانی
 - (۳) سیر و سلوک عرفانی
- بنابراین، عرفان مشتمل بر سه ساحت تجربی، معرفتی و عملی است.

۱. برای اطلاعات بیشتر در این باره رک. مفهوم عرفان از موحدیان عطار.

۲. تجربه عرفانی: اصطلاح تجربه عرفانی^۱ اصطلاحی نوپدید است که پس از تقریرات ویلیام جیمز^۲ رایج شد.^۳ به دلیل همین کاربرد جدید به نظر می‌رسد باید در به‌کار بردن این اصطلاح برای سنت‌های دوره پیشامدرن، از جمله عرفان اسلامی، جانب احتیاط را نگاه داشت. شاید حتی کاربرد مضیق و محدود این اصطلاح به صورت تجربه‌ای وحدت بخش که بیشتر ذات‌گرایان مایل به استفاده از آن هستند نیز- مشکل را بیشتر می‌کند. به نظر می‌رسد درست به همین دلیل است که کنه عده‌ای آگاهانه تجربه عرفانی را به دو مفهوم موسع و مضیق آن به‌کار می‌برند. مراد از معنای موسع از تجربه عرفانی^۴ عبارت است از تجربه‌ای فوق ادراک حسی^۵ یا دون ادراک حسی^۶ که نوعی آگاهی نسبت به حقایق^۷ یا وضع امور^۸ به‌دست می‌دهد. حقایق و وضع اموری که از راه ادراک حسی^۹ جهات حسی-بدنی^{۱۰} ادراک بینوایی^{۱۱} قابل دسترس نیستند.^{۱۲} تجارب شبه حسی^{۱۳} مانند مشاهدات^{۱۴} در حیز این معنای تجربه عرفانی نمی‌شود. همچنین این تجارب مشتمل بر تجربه‌های غایب عادی مانند دورآگاهی^{۱۵}، پیش‌آگاهی^{۱۶}،

-
1. mystical experience
 2. William James
 3. See James, William, (2008) The Varieties of religious experience, a study in human nature, London and New York, Routledge classics
 4. wide Sense of mystical experience
 5. super sense-perceptual
 6. sub sense-perceptual
 7. realities
 8. states of affairs
 9. sense perception
 10. somatosensory modalities
 11. standard introspection
 12. See Gellman, Jerome, "mysticism", The Stanford Encyclopedia of Philosophy (winter 2003 Edition), Edward N. Zalta (ed.), URL = <<http://plato.stanford.edu/archives/win2003/entries/mysticism/>>.
 13. Para-sensual experiences
 14. telepathy
 15. precognition
 16. clairvoyance